

شما اصلا می دانید مدیریت چیه؟

این جدیدترین موضع حسن روحانی در مواجهه با منتقدان است، به همین بهانه بخشی از کارنامه اقتصادی دولت به ریاست او و معاون اولی اسحاق جهانگیری را بررسی کرده‌ایم



فرهنگ‌یگان: شما در شبکه‌های اجتماعی، کانال‌های سرگرمی و حتی برخی برنامه‌های تلویزیون دیده‌اید که متناوبا عکس‌هایی از مدیران و مسئولان جزء یا کل کشورهایی در شرق آسیا همچون ژاپن منتشر می‌شود که زانو زده‌اند و از مردم به خاطر خطاها و تقصیرات‌شان عذرخواهی می‌کنند. همزمان هم دیده‌اید آه و حسرت مردمی را که در ایران این رفتارها را می‌بینند و افسوس داشتن چنین حکمرانانی را می‌خورند. در نوشته امروز نمی‌خواهم بگویم ژاپنی‌ها در واقعیت این چنین که نشان می‌دهند، هستند یا نیستند و همچنین نمی‌خواهم در مورد بی‌عدالتی تثبیت‌شده در حکومت‌های متبنتی بر لیبرالیسم و نتولیبرالیسم و این چنین مباحثی صحبت کنم. اساسا امروز هیچ‌کاری به دولت‌ها و حکومت‌های خارجی ندارم و صرفا با ذکر این مثال می‌خواهم این طرف‌ماجرای بررسی کرده و بگویم که یک شهروند ایرانی واقعا حق دارد چنین تصویر واقعی یا کاریکاتور را ببیند و افسوس بخورد! واقعا حق دارد آرزو کند مسئولان دولتی که همه سرنوشته یک فرد را برای هشت سال در دست می‌گیرند و قریب یک دهه از عمر او را می‌سازند یا خراب می‌کنند نه اینکه بابت اشتباهات‌شان آنچنان که روایت شد، عذرخواهی کنند. که حداقل طلبکار نباشند و آنچنان از خودراضی که گویی کشور را گلستان کرده‌اند...

بله حکایت، حکایت دولت حسن روحانی و کارگزارانی چون اسحاق جهانگیری است؛ کسانی که حالا در سال پایانی دولتی که همه رکورد‌های ناسامان در اقتصاد از افزایش تورم و نقدینگی گرفته تا کاهش ارزش پول ملی رازده است، مدعی توانمندی در مدیریت و اداره کشور هستند و حتی به گونه‌ای حرف می‌زنند که گویی برای پدید آمدن وضعیت کنونی مردم باید منت‌دار و مدیون آنها باشند. حسن روحانی که خود پس از فاجعه‌باز بنی‌آبان

دولار جهانگیری فاجعه اقتصادی قرن!

دوشنبه ۲۰ فروردین ۹۷، روزی که اسحاق جهانگیری با اعتماد بنفش کامل اسماً سیاست‌گذاری کرد و رسماً حکم تعطیلی صرافی‌ها و فعالان بازار ارز را داد و گفت: «از فردا دیگر هیچ قیمتی جز ۴۲۰ تومان برای هر دلار آمریکا رسمیت ندارد و کسانی که به غیر از این قیمت بخواهند خرید و فروش کنند به جرم قاچاق دستگیر خواهند شد!» شاید فکرش را هم نمی‌کرد که آن تصمیم سیاه‌ترین سیاست ارزی ۴۰ ساله کشور نام بگیرد. آن روزها حامیان دولت از جمله ارگان رسمی کارگزاران، جهانگیری را «سوپرمن» نامیدند و با ابراز خوشحالی از میدان‌داری او، گفتند کشتی توفان‌زده اقتصاد کشور، ناخدا‌ی کاربلدی دارد! اما در کمتر از ۴۰ روز ورق برگشت و با این سیاست اقتصادی نافرجام، ۱۸ میلیارد دلار از اموال و دارایی‌های کشور سوخت و از بین رفت. البته در همان زمان نیز اغلب کارشناسان اقتصادی نقدهای تندی نسبت به دلار ۴۲۰ تومانی مطرح کردند اما گوش دولت بدهکار نبود و چند روز پس از اظهارات جهانگیری دستگیری‌ها آغاز و دلان میدان فردوسی و سبزه‌میدان با دستبند به تیر یک رسانه‌های دولتی تبدیل شدند. این اقدام عجیب که برخی آن را تیر خلاص به اقتصاد بیمار کشور در دوران روحانی می‌دانستند تا همین امروز همچنان جزء سیاست‌های دولت است و هنوز هم دولت بنای دست کشیدن از آن را ندارد؛ اقدامی که نتایج باعث نشده کالاهای اساسی به قیمت دولتی دست مردم برسد که همزمان ضمن افزایش گرانی‌ها، موجب فساد پیچیده‌ای هم شده است. فساد و رانت بی‌سابقه‌ای که از یک سو موجب برخی خواص را بر کرده و از سوی دیگر جیب درزانی که با کارت‌های استیجاری افراد دیگر چون کارت‌ن خواب‌ها، میلیون‌ها دلار پول کشور را بالا کشیده‌اند.

منشی خود را هم نمی‌توانم عوض کنم!

اسحاق جهانگیری که مدعی است مردم عملکرد او و همکارانش را در حافظه خود حفظ خواهند کرد و می‌گوید کارنامه دولت قوی بوده و نه ضعیف، همان مدیر ارشدی است که پشت تریبون و در مقابل چشمان صدها نفر در مهرماه سال ۹۷ گفت: «من حتی منشی خود را هم نمی‌توانم عوض کنم». اظهار نظری که هزینه زیادی هم برای دولت داشت و هم برای کشور و این سوالات مهم را در افکار عمومی ایجاد کرد که اول این چه معاون اولی است که منشی خود را هم نمی‌تواند عوض کند و ثانیاً اگر این‌طور است چرا مانده و استعفا نمی‌دهد؟ واقعیت آن ماجرا اما این بود که در آن روزها یعنی فاصله یک سال از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دو اتفاق مهم شرایط را به گونه‌ای رقم زده بود که جهانگیری بایستد و این‌طور اظهار نظر کند. اولین اتفاق درگیری او و دیگر اصلاح‌طلبان دولت با اعتدال و توسعه‌ای‌ها بود، جایی که هر کدام دیگری را منتهم به صفاتی چون ناتوانی در مدیریت و تمامیت‌خواهی می‌کرد و در چنین فضایی اصلاح‌طلبان می‌خواستند همزمان با حفظ مسئولیت‌های خود بگویند که در دولت کار‌های نیستند و همه چیز در دستان افرادی چون محمد واعظی و محمد باقر نوبخت است. از سوی دیگر ناتوانی‌های دولت در اداره کشور هم به تدریج عیان شده و خروج ترامپ از برجام هم ناتوانی برجام در بهبود وضعیت اقتصادی را بیشتر از گذشته نمایان ساخته بود. از این رو تلاش‌ها برای اینکه مسئولیت اتفاقات به گردن دیگران انداخته شود، هدفی بود که خیلی‌ها سعی می‌کردند به آن برسند.

استعفا برای دلار ۳ هزار تومانی آری، برای دلار ۳۰ هزار تومانی خیر!

میانه اردیبهشت‌ماه سال ۹۶، اسحاق جهانگیری، معاون اول وقت دولت یازدهم و کاندیدای انتخابات دوره دوازدهم ریاست جمهوری در یکی از برنامه‌های انتخاباتی خود روایتی از اتفاقات سال ۹۶ بیان می‌کند و توضیح می‌دهد که وقتی کار از دست دولت و کارگزارانش در سی‌رود باید وزرا و اعضای کابینه استعفا دهند و تیم تغییر کند تا وضعیت بهتر شود. «سال ۹۶ که قیمت دلار همین جور آسانسوری می‌رفت بالا، من یک نامه نوشتم خدمت رهبر انقلاب و گفتم بنده به‌عنوان یک آدم که دارم از بیرون به کشور نگاه می‌کنم و هیچ مسئولیتی ندارم، الان وقتشه که کل مسئولان اقتصادی دولت عوض بشن، حالانگه تیم دولت عوض بشه؛ مردم اعتمادشون رو به اینها از دست دادن!» این اظهار نظر که آن روز برای بهره‌برداری انتخاباتی گفته شد، حالا در مورد دولت مصداق عینی و دقیقی دارد. چنانکه مردم می‌پرسند در سال ۹۶ قیمت دلار از هزار تومان به سه هزار تومان رسید ولی در دولت حسن روحانی و اسحاق جهانگیری نرخ ارز با رشد ۱۰ برابری، رکورد بی‌سابقه ۳۲ هزار تومان را نیز زده و طبیعتاً اگر اقدام درست استعفا‌ی وزرا و اعضای کابینه در چنین شرایطی است، چرا هنوز هیچ‌یک از مسئولان دولتی نه تنها استعفا ندادند که حتی از مردم هم بابت این وضعیت ناگوار عذرخواهی نکرده‌اند؟ قاعدتاً این سوال مهمی است و اگر پاسخی قانع‌کننده برای آن وجود نداشته باشد، مردم علاوه بر بی‌کفایتی و ناتوانی مدیریتی، به عدم صداقت مدیران دولتی با جامعه هم ایمان می‌آورند و این خسارت قطعا از مورد اول زیان‌بارتر است.

بنزین گران نخواهد شد!

در روزهای منتهی به دهه آخر آبان ۹۸، دولتی‌ها تا آنجا که می‌توانستند خبیرهای مریوط به افزایش قیمت بنزین را تکذیب کردند، آنقدر که احدی گمان نمی‌کرد حالا حالاها قیمت سوخت در کشور یک ریال افزایش یابد. یکی از کسانی که بر طبل این قطعیت می‌کوبید جناب معاون اول دولت بود، برای مثال در آخرین روزهای مهرماه گفته بود: «افزایش نرخ بنزین در شرایط فعلی شیدانی نیست». با این حال کمتر از یک‌ماه بعد اتفاق بزرگی در سوخت رخ داد و با پایان روز ۲۴ آبان، بدون هرگونه اطلاع قبلی، بنزین هم سهمیه‌ای شد و هم تا سه برابر گران‌تر از قبل. اتفاقی که از دو جنبه مردم را به هم ریخت؛ یکی به خاطر افزایش سنگین و سه‌برابری و دوم به دلیل اینکه مردم احساس کردند دور زده شده‌اند و پس از تکذیب‌های متعدد، به‌صورت ناگهانی و برنامه‌ریزی‌شده، در عمل انجام‌شده قرار گرفته‌اند. بعد از این اقدام دولت بود که مردم به خیابان‌ها آمدند و فرصت‌طلبان هم با مشاهده این زمینه مساعد، مسیر اعتراضات عمومی را به سمت اغتشاش و آشوب کشیدند و شد آنچه نباید می‌شد. ده‌ها کشته و مجروح و میلیارد‌ها تومان خسارت به کشور نتیجه همین بی‌تدبیری دولتی بود که از کرامت مردم و بهبود وضعیت آنها سخن می‌گفت و مدعی بود که مردم باید محرم شناخته شوند. چندی بعد از این اقدام البته این هم مشخص شد که کسری بودجه در اثر این اقدام شرایط بهتری پیدا نکرده و رسماً اقدام دولت برای اقتصاد کشور بی‌حاصل بوده است.

آوار ۱۲۵ هزار میلیاردی بر سر دولت بعدی

اسحاق جهانگیری اظهار نظرهای عجیب‌وغریب کم ندارد. این هم یکی دیگر از سخنان اخیر اوست: «با همتی که مدیران کشور در موضوع بودجه از خود نشان دادند، موفق شدیم تاکنون از این مرحله عبور کنیم، هرچند برخی نمی‌خواهند قدر این زحمات را بدانند. مکرر گفته‌ام کارنامه این دولت قابل مقایسه با هر دولت دیگری در سال‌های پس از انقلاب اسلامی است.» اما ماجرای این اظهار نظر؛ زمانی که بودجه سال جاری در حال نهایی شدن بود و همه می‌دانستند کشور با فشار سنگینی برای فروش نفت مواجه است، بخش مهمی از هزینه‌ها براساس پیش‌بینی فروش یک میلیون بشکه‌ای نفت در روز بسته شد؛ چیزی که مشخص بود یک پیش‌بینی غیرمنطقی و غیرواقعی است و به قول بسیاری از کارشناسان تنها برای پوشش گذاشتن روی کسری بودجه و تداوم هزینه‌کردهای جاری دولت یا به عبارتی ریخت‌پاش‌های دولتی در لایحه گنجانده شده بود. آنچه اکنون مسلم است، این است که این رقم تا امروز محقق نشده، اما اینکه چرا و چگونه اسحاق جهانگیری می‌گوید دولت در خصوص بودجه موفق عملکرد است، پاسخ تخصصی می‌خواهد. مهدی طیفانی، اقتصاددان و سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس در نطق میان‌دستور خود در صحن علنی پاسخ جهانگیری را این گونه می‌دهد: «تولت می‌گوید در هفت‌ماه اول سال با وجود احتیاط ۴۸ هزار میلیاردی همه وظایف بودجه را انجام داده است؛ از کجا آورده است؟ من می‌دانم؛ از انتشار ۱۲۵ هزار میلیارد اوراق بدهی که همه بر سر دولت بعدی آوار خواهد شد.»

خاف‌گیر شدیم!

اساساً پیش‌بینی و سنجش وضعیت و تصمیم‌گیری براساس نظرات کارشناسی نسبت به آینده یکی از شاخصه‌های اصلی مدیریت است و قاعدتاً اگر قرار باشد کسی چشم‌پسته دست به اقدامی بزند یا تصمیمی بگیرد از حداقل ویژگی‌ها برای مدیر بودن و مسئولیت داشتن برخوردار نیست و اگر در چنین جایگاهی قرار داشته باشد، اشتباهی بوده و باید استعفا دهد.

این را تنگنیم تا به این مساله برسیم. در تیرماه سال ۱۳۹۷ و حدود دو ماه بعد از خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای، اسحاق جهانگیری در اظهار نظر عجیب که بیشتر به یک اعتراف تلخ شبیه بود، در نشست شورای اداری استان اصفهان گفت: «خروج آمریکا از برجام باعث خاف‌گیری ما شد، ایران در برجام به تمام تعهدات خود عمل کرد و از آنسوی بین المللی هم این را تأیید می‌کند.» این اعتراف تلخ و بسیار سنگین معاون اول دولت در خصوص برجام، البته در حالی است که نه در مدتی که ترامپ ریاست جمهوری در آمریکا را به دست گرفته بود، بلکه از مدت‌ها قبل‌تر و دقیقاً از همان زمانی که قرار بود توافق هسته‌ای اجرا شود، کارشناسان به صریح‌ترین شکل ممکن به دولت تذکر داده بودند که هر آن ممکن است با تغییری در کاخ سفید، آمریکا از برجام خارج شود و از آنجا که متن این توافق بسیار ضعیف است، این خروج برای آمریکا هیچ هزینه‌ای دربر نخواهد داشت و در عوض برای ایران بسیار سنگین و هزینه‌زا خواهد بود. اینها البته علاوه بر این است که دولت‌اند ترامپ در جریان تبلیغات انتخاباتی در سال ۲۰۱۶ بارها گفته بود که برجام را پاره خواهد کرد و پس از ریاست جمهوری نیز اقدامات بسیار زیادی برای نابودی آن انجام داده بود.

حمایت کاندیدای پوششی از قاجاق زیرزمینی دختر مظلوم وزیر

اگر از دلار جهانگیری بگذریم، اصطلاح پرکاربرد «دختر مظلوم وزیر» به‌عنوان وجه دیگر آفاق‌داری در ادبیات روزمره سیاسی و کاربران فضای مجازی کاربرد زیادی پیدا کرده و به یکی از واژه‌های پرتکرار تبدیل شده است؛ روزی که در جریان آخرین مناظره‌های انتخاباتی سال ۹۶ جهانگیری از قاجاق یکی از فرزندان وزرا دفاع کرد و گفت «دختر وزیر بیکار و مظلوم بود و به شغل شریف واردات پوشاک روی آورد؛ می‌خواست با این پاسخ از دولت دفاع کند، اما این دفاع بد کار را برای آنها سخت‌تر کرد. این کاندیدای پوششی روحانی در پاسخ به سوالي درباره فعالیت تجاری قاجاق دختر یکی از اعضای کابینه گفته بود: «این وزیر یک دختر فوق لیسانس داشته که بیکار بوده و کار واردات انجام داده است؛ فقط ۲۰۰ میلیون تومان کل ارزش این لباس‌هایی بوده که وارد کرده است.»

پس از این پاسخ مبهم و غیرکارشناسی جهانگیری به انتقاد قالیباف، از‌ه‌ای سخنگوی وقت قوه قضائیه به این مساله ورود کرد و گفت که موضوع به این ساده‌گی‌ها نبوده است و اعلام کرد: «شرکت آمیتیس طراوت کودکی متعلق به وزیر آموزش و پرورش آقای فخرالدین احمدی آشتیانی و خانواده وی است که در سال ۹۳ به ثبت رسیده است. گزارش از طریق نیروی انتظامی به حوزه قضایی لوسان می‌شود که در ویلایی در این منطقه کالای قاجاق تخلیه و از آنجا به‌جای دیگری منتقل می‌شود. به همین دلیل مقام قضایی براساس گزارش ضابط قضایی دستور بازرسی این ویلا را صادر می‌کند.» پس از این غائله، دبیر کمیسیون مبارزه با قاجاق کالا و ارز استان تهران هم گفت که به نظر می‌آید معاون اول رئیس‌جمهور در مناظره‌های انتخاباتی در موضوع «دختر مظلوم وزیر» همه واقعیت را نگفته است!

مردم عزیز یادتان هست از روغن نا انوسولین در این دولت نایاب شد

«مردم عزیز یادتان می‌آید مردم شب‌ها در صف بانک‌ها می‌خوابیدند که صبح بتوانند چند سکه خرید کنند، مردم عزیز یادتان می‌آید وضعیت اقتصادی ما چه بود، کره، شیر و شیرخشک پیدا نمی‌شد. مردم عزیز ایران هوشیار باشید، می‌خواهید فردای شما و فرزندان شما چگونه باشد؟ توسعه می‌خواهید یا آشفتگی! امروز دیگر کسی از گرانی و تورم حرفی نمی‌زند چون کاری شد کارستان...». اگر این‌دگان این جملات را بشنوند احتمالا می‌گویند که در سال ۱۴۰۸ و پس از یک آواربرداری هشت‌ساله از زیربانه‌های اقدامات اقتصادی دولت حسن روحانی اظهار شده است اما مع‌الاسف این ادعاها، شعارهای تبلیغاتی اسحاق جهانگیری سوپرمن حامیان دولت است که با شعار «ایشالا دور بعدی» در زمان مناظرات تلویزیونی از او می‌خواستند برای انتخابات ۱۴۰۰ نیز کاندیدا شوند! جهانگیری درحالی‌از صف بانک‌ها برای خرید سکه و تنزيل اقتصادی در حد نایاب شدن کالاهای مصرفی همچون لبنیات و شیرخشک در دولت قبلی انتقاد می‌کرد که با مدیریت فعلی جریان متبوعش حتی انوسولین که برای بیماران دیابتی داروی حیاتی به شمار می‌آید دچار کمبود بوده‌ایم. البته این تنها دارو نیست که به واسطه مدیریت ضعیف اقتصادی دولت کمیاپ می‌شود، بلکه هزار‌گانهی اقلام صرف سفره خانوارها همچون روغن، تخم‌مرغ، پوشاک و امثال آن نیز با بحران قیمت یا بحران عرضه مواجه می‌شود تا جایی که مجلس را به صرافت تامین کالاهای معیشتی انداخته است. البته وخامت شرایط اقتصادی فعلی سبب شد خود جهانگیری نیز برخلاف شعارهای انتخاباتی بر لزوم ارائه کالابرگ اذعان کند.

گرا به تحریم

آذرماه ۱۳۹۸ و در اوج جنگ اقتصادی، اسحاق جهانگیری که برای شرکت در بیست‌وسومین سالروز «روز ملی صادرات» به سالن اجلاس سران رفته بود لب‌به‌سخن گشود و یکی دیگر از جلوه‌های مدیریت عالمانه و توانمند خود را نشان داد. او در این اجلاس گفت: «آمریکایی‌ها مرتب فشار وارد کرده‌اند و حتی کشورهای دوست ما هم جرات خرید نفت از ما را ندارند. آمریکایی‌ها مهم‌ترین محصولات صادراتی مثل پتروشیمی را شناسایی کرده‌اند و آنها را در لیست تحریم قرار داده‌اند و حتی مثلاً مجموعه فولاد کشور را... همچنین کل شرکت‌های حمل‌ونقل دریایی در ارتباط با ایران و همچنین بیمه‌ها که کشتی‌ها را بیمه می‌کنند، تحریم کرده‌اند و کل نظام بانکی کشور را تحریم کرده‌اند و به‌معنای واقعی تمام گلوگاه‌های فعالیت اقتصادی کشور را در طول یکی، دو سال گذشته بسته‌اند.» این عبارات پس از انتشار، به‌سرعت به تیر اول رسانه‌های غربی و ضد انقلاب تبدیل شد و آنها با ذوق زدگی خاصی «بسته‌بودن همه گلوگاه‌های اقتصادی ایران» را از زبان معاون اول دولت ایران تیرتیر یک خود کردند. این اظهار نظر در آن روز بیشتر از هر چیز دیگر به عنوان یک ارسال پالس ضعف به خارج از کشور تلقی شد و کارشناسان متحیر بودند که چگونه ممکن است یک مدیر ارشد کشور آن هم در میانه میدان نبرد مقابل دوربین ده‌ها رسانه بایستد و اینگونه از ضعف درونی کشور خیر دهد؟ آنها می‌گفتند آیا نتیجه این گونه صحبت‌های امیدوار شدن دشمن و در نتیجه افزایش هرچه بیشتر فشارهای اقتصادی و سیاسی به کشور نیست؟ این دست سخنان البته اولین باری نبود که از زبان دولتمردان شنیده می‌شد، ماجرای خزانه خالی و نابودی کل سیستم دفاعی با یک بمب آمریکایی نمونه‌های مشخص قبلی آن است.